



تکواژ وابسته «غیر» و معادل‌های ترجمه‌ای آن در زبان فارسی

علی اسودی*  استادیار، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه خوارزمی، کرج، ایران

سیدمحمد میرحسینی  دانشیار، گروه زبان و ادبیات عربی، دانشگاه بین‌المللی امام خمینی (ره)، قزوین، ایران

چکیده

تکواژها در هر زبانی موضوع اصلی علم «ساخت‌شناسی واژگانی» به‌شمار می‌روند و به دو گروه وابسته و غیروابسته (آزاد) تقسیم می‌شوند. تکواژ وابسته «غیر» از تکواژهای معروف و پرکاربرد زبانی و از زمره ادوات رایج استثنا در علم نحو عربی است. این پژوهش با رویکرد توصیفی-تحلیلی بر آن است تا ساختارهای مختلف جدید و قدیم زبانی این تکواژ را شناسایی و معادل‌های ترجمه‌ای آن‌ها را ارائه کند و کاربرد اختصاصی هر یک را برای زبان‌آموزان عربی و مترجمین این زبان تبیین کند. این بررسی نشان داد تکواژ وابسته «غیر» از ۱۰ ساختار و به تبع آن ۱۰ معادل ترجمه‌ای در زبان عربی برخوردار است و ساختارهای «غیر + من + اسم جنس» و «غیر آن»، ساختار «غیر + ضمیر + من + اسم جنس / اسم جمع» و ساختار «من + غیر + مصدر موول / صریح» از جمله ساختارهای معاصر برای این تکواژ محسوب می‌شوند و هر یک معادل ترجمه خاص خویش را دارد. همچنین مشخص شد برخی ساختارهای جدید، جایگزین ساختارهای قدیمی این تکواژ هستند.

واژگان کلیدی: تکواژ وابسته، غیر، معادل ترجمه‌ای، زبان فارسی.

مقدمه

تکواژ وابسته «غیر» یکی از ادوات اسمی پرکاربرد در زبان عربی است که کاربرد اصلی آن بیان مفهوم مغایرت است. این تکواژ به لحاظ تنوع استعمال و کاربرد در زبان عربی - و به ویژه دوره معاصر - کاربردهای متنوعی دارد؛ اما زبان‌آموزان عربی و مترجمین زبان عربی بیشتر به مفهوم مغایرت توجه داشته‌اند و به تنوع کاربردی این تکواژ توجهی ندارند. ارائه یک مجموعه ساختارهای مورد کاربرد این تکواژ از یک سو، زبان‌آموز و مترجم را به دقت در اشکال مختلف ساختاری و معادل ترجمه‌ای آن واداشته و از سوی دیگر به مصادیق و معادل‌های ترجمه‌ای درست هر ساختار به صورت مستقل آگاهی می‌یابد، چراکه یکی از مشکلات حوزه ترجمه، تک‌انگاری معادل ترجمه‌ای و به عبارت دیگر، تک‌معنایی است؛ حال آنکه در خصوص تکواژهای زبان عربی به دلیل ظرفیت بالای این زبان در توسعه معنایی و چند معنایی، نقش بسزایی داشته است و غفلت از آن موجبات ترجمه‌های نادرست و احیاناً مخالف را فراهم می‌کند. این بررسی بر آن است تا با معرفی تکواژ وابسته «غیر» و جایگاه آن در زبان عربی به ارائه اشکال مختلف ساختاری کاربرد آن بپردازد و معادل‌های ترجمه‌ای هر یک را مشخصاً برای زبان‌آموزان عربی به ویژه دانشجویان ایرانی رشته زبان و ادبیات عربی و مترجمی عربی ارائه کند. همچنین ضمن بررسی مستند ساختارها در منابع نحوی، ادبی و لغوی، جایگاه و تغییرات احتمالی در برخی ساختارها را نیز در دوره معاصر تبیین کند.

این پژوهش در پی پاسخگویی به سه سؤال است: ۱- تکواژ وابسته «غیر» شامل کدام مفاهیم و ساختارها در زبان فارسی می‌شود؟، ۲- تکواژ وابسته «غیر» دارای چه معادل‌های ترجمه‌ای در فارسی است؟ و کدام یک از کاربردهای تکواژ وابسته «غیر» از کاربردهای جدید آن به‌شمار می‌روند؟

۱. پیشینه پژوهش

سارا رضایی و همکاران (۱۳۹۷) در بررسی مقایسه‌ای ساخت واژه فعال عربی و وند «گر» در زبان فارسی به رابطه خطی دو قالب در تولید صفت و ساختار آن در دو زبان رسیدند. شکری و همکاران (۲۰۱۲) در بررسی برابری ادات «إن» در زبان فارسی به روش زایشی گشتاری معادل‌های این ادات ترجمه‌های فارسی ابتدای برخی آیات به عدم

مطابقت برخی موارد به کاررفته دست یافته و نوعاً یکسان‌نمایی ترجمه این ادات را مشاهده کرده‌اند.

علیرضا نظری و همکاران (۲۰۱۵) در بررسی تداخل زبانی و تأثیر آن در ترجمه، برخی ترکیب‌ها و ساختارهای برگرفته از زبان مبدأ، به معضل فارسی‌زبانان در ترجمه این ترکیب‌ها اشاره و راهکارهایی برای برون‌رفت از آن‌ها ارائه کرده‌اند. برخی بررسی‌ها درخصوص معادل‌یابی‌های واج‌ها در زبان عربی نیز یافت شد، اما درخصوص تکواژهای وابسته، پژوهشگران مواردی درخصوص معادل‌یابی تکواژهای وابسته نیافت.

۲. مبانی نظری پژوهش

۲-۱. تکواژ و انواع آن

ساخت‌شناسی واژگانی، دانشی است که تکواژهای یک زبان را مورد بررسی قرار می‌دهد. تکواژ که در زبان عربی با المقطع الصرفی یا المورفیم^۱ کوچک‌ترین یکای (واحد) زبان است که دارای نقش دستوری و معنایی مستقل است که برخی اوقات علامت نیز خوانده می‌شود (شفاقی، ۱۳۸۶). تکواژ کوچک‌ترین واحد معنی‌دار در هر زبان است. بدین ترتیب باید میان «واژه» و «کوچک‌ترین واحد معنی‌دار» تفاوت قائل شد. برای مثال، «آموزگار» یک واژه و سه تکواژ است؛ ۱- «آموز» (بن مصدری آموزش)، ۲- پسوند «گار» (گار، نشانه انجام کاری از سوی کسی است؛ مثل آفریدگار یا گناهکار که در اصل گناهکار بوده است) و ۳- علامت جمع «ان» مانند درختان، معلمان، دوستان (شریعت، ۱۳۶۷).

در زبان‌شناسی، تک‌واژشناسی؛ یعنی بازشناسی، تحلیل و توصیف ساختار تکواژها و دیگر واحدهای معنایی در زبان از قبیل کلمات، وندها و هویت دستوری و همچنین تکیه/استرس و بافتار ضمنی (کلمات در واژه‌نامه، موضوع اصلی واژه‌شناسی است). گونه‌شناسی مرتبط به شکل و ساختار به نوعی دسته‌بندی زبان‌ها طبق سبک‌هایی است که به وسیله آن، تکواژها در زبان استفاده می‌شوند؛ یعنی از تحلیلی که تنها تکواژهای مجزا از

1- Orpheme

طریق زبان‌های آمیخته (به هم چسبیده) و ترکیبی استفاده می‌شود که تکواژهای وابسته (وندها) و تا حدودی چند ترکیبی را که تعداد زیادی از تکواژهای جداگانه را به کلمات مجزا خلاصه می‌شود، استفاده می‌کند و به دو دسته تکواژ وابسته و تکواژ آزاد دسته‌بندی می‌شود:

الف - تکواژ وابسته: تکواژی است که تنها می‌تواند در پیوستگی با دیگر تکواژها رخ دهد و هیچ‌گاه به تنهایی نمایان نمی‌شود؛ مانند آنه، ی، -مند.

تکواژ وابسته بر دو نوع است: ۱- وند که خود شامل زیرشاخه‌های پیشوند و پسوند می‌شود؛ مانند: باز-، نا-، گر-، ور در «بازگشت»، «ناآرام»، «آهنگر» و «نامور». ۲- واژه‌بست؛ مانند: م-، ی، یم، مید و سَند در انتهای فعل‌های فارسی.

ب- تکواژ آزاد: تکواژی است که تکیه می‌گیرد و می‌تواند به تنهایی و به‌سان واژه‌های مستقل به کار برود؛ مانند: خواب، زر، گُل، گِل و افسون (شریعت، ۱۳۸۶).

۲-۲. تکواژ وابسته «غیر» در زبان عربی

کلمه «غیر» اسم بوده و دارای تمام خصوصیات یک تکواژ وابسته و از جرگه «وندها» در زبان عربی است. این کلمه از اسماء دائم‌الاضافه است و به جهت وجود ابهام ذاتی معنوی آن باید برای رفع این ابهام همواره از حیث معنا اضافه شود؛ چه لفظ آن معنا در کلام ذکر شده باشد و چه ذکر نشده باشد (سیوطی، ۱۳۹۰؛ ابن هشام، ۱۴۲۷ و بدیع یعقوب، ۲۰۰۶). کلمه غیر از ادات اسمی استثنا نیز به‌شمار می‌آید (ابن هشام، ۱۴۲۸ و حسن، ۱۳۸۸).

۲-۳. وجوه استعمالی تکواژ وابسته «غیر» در نحو عربی

کلمه «غیر» با اضافه شدن -هرچند مضاف‌الیه آن معرفه باشد- معرفه نمی‌شود؛ زیرا این کلمه ذاتاً شدیداً ابهام دارد به طوری که اگر اضافه نشود در نهایت ابهام بوده و مطابق اصطلاح نحوی، «غیر»، یکی از اسماء متوغله در ابهام است که در صورت اضافه شدن نیز معرفه نمی‌شود، هرچند مضاف‌الیه آن معرفه باشد. کلماتی نظیر مثل، شبه و سوی نیز از این دسته‌اند. از همین رو، «غیر» کلمه‌ای است که هر چه به اسمی معرفه اضافه شود، نکره و مبهم خواهد شد (ابن هشام، ۱۴۲۱ و ابن عقیل، ۱۳۸۹).

همچنین کلمه «غیر» که اضافه شده و در عبارات به صورت مضاف استعمال شود، دارای یکی از این دو عنوان است: ۱- اصل و مطابق وضع و معنای غیر؛ به این معنا که از لحاظ نحوی صفت بوده و دلالت بر تغایر موصوف با مضاف‌الیه می‌کند و موصوف آن می‌تواند نکره و معرفه قریب به نکره (معرفه غیر محضه) باشد. ۲- در موضع ادات استثناء واقع شده و در این صورت، غیر به جای ادات استثنای معروف عربی «إلا» به کار می‌رود. به عنوان نمونه، به آیه ۳ سوره فاطر توجه کنید: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ هَلْ مِنْ خَالِقٍ غَيْرِ اللَّهِ يُرْزِقُكُمْ مِنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ﴾ (ابن هشام، ۱۴۲۸؛ ابن عقیل، ۱۳۸۹؛ حسن، ۱۳۸۸ و استرآبادی، ۱۳۸۹). در واقع می‌توان گفت اصل وضع تکواژ «غیر» معنای مغایرت را بیان می‌کند؛ مغایرتی که می‌تواند در ذات یا صفت باشد و تغایر مجرورش (مضاف‌الیه آن) با موصوف خود (کلمه منتسب به آن در جمله) را تبیین می‌کند. به عنوان نمونه «محمد غیر ابراهیم» معنایش مغایرت ذات محمد با ابراهیم است، اما در آیه ۹۵ سوره نساء ﴿لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولَى الضَّرَرِ وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ﴾ مغایرت در صفت اراده شده است (سامرائی، ۲۰۱۲).

۲-۴. اختصاصات تکواژ وابسته «غیر»

این تکواژ از واژگان منحصربه‌فرد زبان عربی است و در زبان‌های سامی دیگر به چشم نمی‌خورد (برگستراسر، بی‌تا). کاربرد این تکواژ در مقام استثنا به دلیل تناسب مفهوم مغایرت با استثنا است، چراکه استثنا نوعی مغایرت است. در کتاب مغنی اللیب در مبحث دو ادات «غیر» و «إلا» در خصوص تفاوت لفظی و ساختاری این دو واژه، مطالب دقیقی آورده شده است و از این حیث تکواژ «غیر» دارای چهار تفاوت با تکواژ وابسته «إلا» در مفهوم استثنا است. این چهار تفاوت به این شرح هستند:

۱- مغایرت در «غیر» مربوط به ذات و صفت است، اما مغایرت در تکواژ «إلا» تنها مربوط به اثبات امر یا نفی آن است؛ هر چند ممکن است تکواژ «غیر» در مفهوم اثبات یا نفی به کار رود (رضی استرآبادی، ۱۳۸۹) و هر کجا که «إلا» برای غرض نفی کردن یا اثبات به کار رود، می‌توان «غیر» را جایگزین آن کرد (سیبویه، ۲۰۰۴ و ابن سراج، ۲۰۰۸). همچنین در همه حالات استثنا، اعم از تام و مفرغ موجب، سلبیه، متصل و منقطع، این جایگزینی متصور است (رضی استرآبادی، ۱۳۸۹).

۲- مفهوم استثنای مفرغ با تکواژ «غیر» به لحاظ معنایی با وجه مستعمل با «إلا» متفاوت است؛ برای مثال، در عبارت‌های «ما قام غیر سعید» و «ما قام إلا سعید» معنای متفاوتی وجود دارد، چراکه «غیر» در این موارد در واقع جانشین موصوف مقدر خویش شده و معنای مغایرت را دارد و اصل این جمله «ما قام رجل غیر سعید» بوده است. در جمله نخست مقصود دو احتمال دارد؛ یکی حصر «قیام به سعید» و دوم آنکه «غیر سعید قیام نکرده‌اند»، اما در جمله دوم، مقصود حصر «قیام به زید» است (سامرائی، ۲۰۱۲).

۳- واقع شدن در جمله مثبت از اختصاصات «غیر» نسبت به «إلا» است، چراکه نمی‌توان گفت «قام إلا سعید»، اما می‌توان گفت «قام غیر سعید» (همو، ۲۰۱۲) و این امر به این علت است که «غیر» در این موارد در واقع جانشین موصوف مقدر خویش شده و این عبارت در اصل «قام رجل غیر سعید» بوده است و تعبیر به استثناء مفرغ در این کلام که مثبت است، نوعی مسامحه در تعبیر محسوب می‌شود.

۴- قصر و انحصار در تکواژ «إلا» با تصریح است، اما با تکواژ «غیر» مفهوم قصر تضمینی است. مثلاً در عبارت «لا تعبد إلا الله» تصریح به حصر «عبادت برای خدا است»، اما در عبارت «لا تعبد غیر الله» ابتدا نفی عبودیت از غیر خدا بیان شده و از آن مفهوم حصر عبودیت برای خدا استنباط و متضمن جمله می‌شود (همو، ۲۰۱۲). هر چند صاحب ایضاح بر این باور است که این دو تکواژ در این مسأله با هم از کاربردی یکسان برخوردارند (خطیب قزوینی، بی‌تا).

۳. کاربردهای تکواژ وابسته «غیر» در زبان عربی و معادل‌های ترجمه‌ای آن

در زبان فارسی

همانگونه که ذکر شد این تکواژ کاربرد بسیاری در زبان عربی دارد و درک درست این کاربردها کمک شایانی در کاربردهای مختلف و گاه نزدیک به هم آن دارد؛ در این خصوص تقسیم‌بندی متداول در نحو عربی بیشتر به وصفی و «غیر» وصفی بودن (ادات استثنا) محدود می‌شود، اما با رویکرد کاربردشناسی، اشکال مختلفی از وجوه استعمال با معنای مستقل و متفاوت به چشم می‌خورد که در ادامه به آن‌ها اشاره می‌شود.

۳-۱. «غیر» استثنائیه

معمولاً این نوع از کاربرد برای تکواژ «غیر» هنگامی متصور است که این ادات در جمله به جای ادات استثنای «إلا» به کار رفته باشد. همانگونه در «ألفیه» ابن مالک این چنین معرفی شده است:

وَاسْتَنْنَ مَجْرُورًا بِغَيْرٍ مُعْرَبًا بِمَا لِمُسْتَنْنِي بِإِلَّا نُسْبًا
وَلِسُوِي سُوِي سَوَاءٍ اجْعَلًا عَلَى الْأَصْحِّ مَا لِعَيْرٍ جُعَلًا (ابن مالک، ۱۳۷۹)

اصل در کاربرد «غیر» این است که برای توصیف نکره و یا شبه نکره به کار رود. منظور از شبه نکره، معرفه‌ای است که از آن، جنس (حسن، ۱۳۸۸) واقع شود و فائده آن مغایرت مجرور آن با موصوف است (رضی استرآبادی، ۱۳۸۹). اما گاهی با این اصل مخالفت شده و متضمن معنای «إلا» (در کاربرد «إلا» و «غیر» تفاوت‌هایی وجود دارد که بعضی از عالمان نحو به آن اشاره کرده‌اند (حسن، ۱۳۸۸)) و از ادات اسمی استثناء به حساب می‌آید (ابن هشام، ۱۴۲۸). مستثنای به «غیر» به سبب اضافه «غیر» به آن دائماً مجرور است، اما «غیر» همان اعراب مستثنای به «إلا» را دارد (ابن هشام، ۱۴۲۸). مانند این قول شاعر:

كُلُّ الْمَصَائِبِ قَدْ تَمَرَّ عَلَى الْفَتَى وَتَهَوَّنُ غَيْرُ شِمَاتَةِ الْحَسَادِ (المهلبی، ۲۰۰۲)

ترجمه: جوانمرد با انواع مصائب روبه‌رو می‌شود و بجز شماتت حسودان، تحمل همه آن‌ها آسان است.

تفاوت این نوع با «غیر» وصفی در این است که «غیر» وصفی در پس خود یک صفت دارد و عملاً منفی‌ساز آن صفت است. همچنین پیش از «غیر» وصفی، کلمه‌ای که «غیر» در مقام توصیف آن است به چشم می‌خورد. به نمونه‌های زیر توجه کنید:

لیست عند نا غیر هذه الكتب

ترجمه: ما تنها همین کتاب‌ها را داریم.

لیست لدینا کتب غیر هذه الکتب

ترجمه: ما تنها همین کتاب‌ها را داریم.

در هر دو مثال، «غیر» در معنای «إلا» است؛ بیشتر علمای نحو در پاره‌ای از اوقات عبارتی مانند مثال دوم را لفظاً صفت تعبیر می‌کنند (ابن هشام، ۱۹۹۸)، اما استثناء را نیز در این مثال می‌توان جاری کرد. پس در اعراب، وصف است، اما معنای عبارت بر همان استثناء، تکیه دارد. در نمونه‌های:

لیست هذه الکتب غیر جدیدة

ترجمه: این کتابها قدیمی نیستند.

الوجبات السریعه وجبات غیر صحیة

ترجمه: فست‌فودها وعده‌هایی مضر (ناسالم) هستند.

همانگونه که مشهود است، عملاً تکواژ «غیر» پیشوند منفی‌ساز صفت پس از خود است. بنابراین، این دو شکل از تکواژ «غیر» دو کارایی متفاوت دارند؛ «غیر» استثنایی «تنها» ترجمه می‌شود و «غیر» وصفی به اشکال مختلفی معادل‌های فارسی خود را می‌یابد. از مثال‌های قرآنی برای استعمال تکواژ «غیر» در معنای ادات استثنا به آیات ذیل می‌توان اشاره کرد:

﴿هل من خالق غیر الله﴾

ترجمه: آیا خالق جز خداوند یکتا (الله) وجود دارد؟! (فاطر / ۳)

﴿ومن ینتغ غیر الإسلام دینا فلن یقبل منه﴾

ترجمه: و هر کس مرامی جز تسلیم امر الهی شدن را در پیش گیرد از وی پذیرفته نیست (آل عمران / ۸۵)

همچنین از مثال‌های قرآنی برای مفهوم وصفی تکواژ «غیر» می‌توان به آیات ذیل اشاره کرد:

﴿صراط الذين أنعمت عليهم غير المغضوب عليهم﴾

ترجمه: راه کسانی که از نعمت تو برخوردارند و مورد غضبت نیستند (حمد/۷)

﴿فيها أنهار من ماء غير آسن﴾

ترجمه: در آن بهشت رودهایی است گوارا (محمد/۱۵)

البته در متون معاصر عربی غالباً این نوع از «غیر» در جمله‌های منفی همراه با «لم یکن»، «لیس»، «ما و...» به چشم می‌خورد. موارد زیر نمونه‌هایی از این امر هستند:

لیست هی غیر حملة انتخابیة

ترجمه: این ها تنها نوعی تبلیغات انتخاباتی است.

لم تكن هذا الفكرة غير ردة فعل الأفكار نیشه

ترجمه: این نگرش تنها واکنشی به افکار نیچه بود.

ما هذه الدراسات التمهيدية غير دراسات أولية

ترجمه: این بررسی‌ها تنها بررسی‌های ابتدایی است.

۲-۳. «غیر» وصفی (پیشوند منفی‌ساز عربی برای صفات)

این نوع از «غیر» به همراه کلمه‌ای توصیف‌گر (صفات مشتق عربی اسم فاعل و اسم مفعول و صفت مشبیه) به کار می‌رود و معمولاً منفی‌ساز مفهوم صفت ما بعد خود است که در صورت مثبت بودن صفت (صفات مثبت مفهومی) آن را به صفت منفی و در صورت منفی بودن صفت (صفات منفی مفهومی) آن را به صفت مثبت تبدیل می‌کند. به عنوان مثال، عبارت «غیر» در اضافه شدن به دو کلمه «جید» و «سیء» عربی که به ترتیب صفاتی مثبت و منفی به لحاظ مفهومی هستند، معنای متقابل آن‌ها را ارائه می‌کند. بنابراین، تعیین قصد نویسنده یا متن از کاربرد یک صفت به همراه غیر، بسیار در ترجمه این نوع از «غیر» تعیین‌کننده است.

تکواژ «غیر» به همراه مشتقات در مفهوم‌سازی منفی آن پیش از اسم فاعل، صفت مشبیه و اسم مفعول در کلام عربی و قرآن کریم کاربرد قابل توجهی داشته است و در

کلام عربی معاصر نیز این کاربرد بسیار به چشم می‌خورد. از مثال‌های قرآنی همراهی تکواژ وابسته غیر با اسم مفعول می‌توان به آیات ذیل اشاره کرد.

﴿فلولا إن كنتم غيرَ مدینین﴾ (واقعه / ۸۶)

بدون دین

﴿وإنا لَمُوقِفُهم نصیبهم غیرَ منقوص﴾ (هود / ۱۰۹)

غیر ناقص (کامل)

اسم مفعول در آیات قرآن

در متون معاصر نیز نمونه‌هایی ذکر می‌شود:

﴿بینة غیر مطلاة بالاسمنت شاهدت اُبنیة غیر مطلاة بالاسمنت

سیمان کاری نشده

هولاء الطبة غیر مستعدین وجدت الطلبة غیر مستعدین

آماده نیستند

هذه الأطعمة غیر مطبوخة تناولت أطعمة غیر مطبوخة

پخته

اسم مفعول در متون معاصر

از مثال‌های قرآنی همراهی تکواژ وابسته غیر با صفت مشبیه می‌توان به آیات ذیل

اشاره کرد:

﴿وَأزلفت الجنة غير بعيد﴾ (ق/۳۱)

نزدیک

﴿فمكث غير بعيد﴾ (نمل/۲۲)

نزدیک

صفت مشبهه در آیات قرآن

در متون معاصر نیز نمونه‌هایی ذکر می‌شود:

هذا الكلام غير صحيح سمعت كلاما غير صحيح.

نادرست

هذا الطعام غير صحي لا أتناول طعاما غير صحي.

غیر بهداشتی

هذا الزی غير مناسب لك لا يروقني الزی غير المناسب.

نامناسب

صفت مشبهه در متون معاصر

از مثال‌های قرآنی همراهی تکواژ وابسته غیر با اسم فاعل می‌توان به آیات ذیل اشاره

کرد:

﴿فمن اضطر غير باغ ولا عاد فلا إثم عليه﴾ (بقره/۱۷۳)

ناپیشه ظلم

﴿فمن اضطر في مخمصة غير متجانف لإثم فإن الله غفور رحيم﴾ (مائده/۳)

بی تمایل

اسم فاعل در آیات قرآن

در متون معاصر نیز نمونه‌هایی ذکر می‌شود:

الغداء <u>غیر حاضر</u> أخذت غداء غیر حاضر معی إلى الرحلة.	اسم فاعل در متون معاصر
آماده نشده	
اسم فاعل:	
هذا الحديث <u>غیر صادر</u> عن الامام لاأخذ الأحادیث غیر الصادرة عن الموثوقین بعین الاعتبار	
صادر نشده	
هذا الكلام <u>غیر نافع</u> سمعت كلاما غیر نافع.	
بی فایده	

همانگونه که مشاهده می‌شود منفی‌سازهای پیشوندی «نا»، «غیر»، «بی»، «ن» و «ند» صفت مفعولی منفی «نشده» معادل‌های مختلف ترجمه‌ای این تکواژ از دیدگاه استعمال زبانی فارسی هستند. همچنین برخی اوقات در معادل‌یابی ترجمه‌ای تکواژ «غیر» وصفی با رویکرد استفاده از مفهوم منفی آن، در تلقی و اراده گوینده، مفهومی مثبت ایجاد می‌شود. به عبارت دیگر، گوینده با استفاده از منفی‌ساز بودن «غیر»، صفتی منفی تلقی شده یا منفی‌نما مطابق با سیاق جمله را به صفتی مثبت مبدل می‌کند. این دسته از حالات استعمال «غیر» به اشکال ذیل تقسیم می‌شود:

۱- شمارشگرهای عددی و کمیتی: ممکن است در مقام کمیت و تعداد یک موضوع به جای نشان دادن مفهوم کثرت با صفت مخصوص آن از ترکیب «غیر+ صفت کمیتی محدود» استفاده شود. موارد زیر، نمونه‌هایی از این حالت هستند:

وقد تطرق إلى هذا الموضوع غیر قليل من العلماء
بسیاری از دانشمندان به این موضوع پرداخته‌اند.

ورکز المدرب علی هذه الملاحظة غیر مرة
مری به این مسأله بسیار تأکید داشته است.

شاهدت طلابا غیر معدودة فی الباحة
دانشجویان بسیاری را در محوطه دیدم.

این نوع از کاربرد در قرآن کریم و زبان عربی از دیر باز مشهود بوده است؛ خداوند تبارک و تعالی در آیه ۲۲ سوره نمل می‌فرماید: ﴿فَمَكَثَ غَيْرَ بَعِيدٍ﴾. «غیر» که در معنای مکث کوتاه‌مدت و غیر طولانی است (طبری، ۱۹۹۲) یا به کرات عبارت: «غیر ممنون» به کار رفته که «غیر ممنون» به معنای «مقطوع» است؛ مانند آیه ۲۵ سوره انشقاق، آیه ۳ سوره قلم، آیه ۶ سوره تین و... که تعبیر «غیر ممنون» به معنای «دائم» که معادل مثبت از حالت نفی صفت منفی «ممنون» به معنای مقطوع است. تفاوت این قسم با قسم قبلی در این است که مرجع تکواژ «غیر» در این عبارات محذوف بوده و در جمله ذکر نشده است، اما به لحاظ مفهومی همان مفهوم قسم اول را دارد.

۲- محدود کننده شاخص‌های بازه زمانی: برخی اوقات برای تأکید بر گستره زمانی و حتی استمرار زمانی یک فعل و رخداد و نیز نو پیدا بودن یا قدیمی بودن یک پدیده از تأثیر منفی تکواژ «غیر» بر ساخت واژه وصفی مرتبط با مفهوم زمان بهره جسته می‌شود و ساختار ترکیبی «غیر + اسم مشتق دال بر مفهوم باز زمانی» به کار می‌رود. موارد زیر، نمونه‌هایی از این بحث هستند:

قام المنقح ببعض التعديلات غير المسبوقة
ویراستار برخی اصلاحات جدید را انجام داد.

هذه الظاهره غير جديدة في عصرنا الحاضر
این پدیده، پدیده‌ای نوپیدا در دوره معاصر است.

انشغالاتي بالدراسة هنا غير دائمة
مشغولیت‌های تحصیلی من اینجا موقت است.

انتظرت قدوم الطلاب المستجدين لفترة غير قصيرة
مدت زمان بسیاری منتظر آمدن دانشجویان جدید بودم.

در واقع در این عبارات به جای واژه‌های «جدید»، «قدیم»، «موقت» و «دائم» از صفاتی که زیر آن‌ها خط کشیده شده، استفاده شده و مفهوم موجود در مضاف‌الیه آن‌ها به طریقه معکوس و شکل مثبت ترجمه می‌شود. ترجمه درست این ساختار، ترجمه صفت همراه «غیر» به شکل معکوس آن و عدم بازتاب مفهوم منفی ساز تکواژ «غیر» است.

۳- «غیر» + شاخص مرتبط با اندازه یا محدوده: برخی اوقات تکواژ «غیر» به صفاتی اضافه می‌شود که دارای مفهوم اندازه یا بیانگر محدوده هستند؛ هم‌آیی «غیر» با این دسته از صفات مفهومی نظیر مورد گذشته خواهد داشت، یعنی معنای منفی ساز «غیر» در ترجمه منعکس نمی‌شود و شکل منفی آن صفت به کار رفته همراه غیر یا افزوده قید «نه چندان» معادلی صحیح برای آن است. موارد زیر، نمونه‌هایی از این معادل است:

أقيمت الحفلة في بناية غير كبيرة بالجامعة
مراسم در ساختمان نه چندان بزرگی برگزار شد.

شارك في هذه الندوة جماعة غير محدد من طلابنا
در این سمینار تعداد غیر معینی از دانشجویان شرکت کرده بودند.

أخذ العلماء عينة غير محدودة منهم كنموذج للاختبار
دانشمندان نمونه‌های غیر معینی را به عنوان نمونه آزمایشگاهی انتخاب کردند.

۴- شاخص‌های مرتبط با مفهوم ارزش و بها: ممکن است در ساختارهای متداول معاصر تکواژ غیر به همراه صفاتی دال بر مفهوم بهاء و ارزش همراه شود که در این صورت نیز مفهومی مخالف مفهوم موجود در آن صفت قابل برداشت است که معانی برخاسته از سیاق جملات بوده و از آن دریافت می‌شوند. مثلاً کلماتی همچون «رخيص»، «ثمين»، «باهظ» و... و افزوده قیدی «نه چندان» به صفت یا ترجمه، شکل معکوس آن رهیافتی مناسب در ترجمه این نوع ساختار است. موارد زیر، نمونه‌هایی از این موضوع است:

اشترينا في رحلتنا سلعا غير رخيصة من كندا
در سفر خود به کانادا کالاهای گران‌قیمتی را خریدیم.

تدخیر الحکومة سلعا غیر باهظة لتعديل الأسعار فی الأسواق
دولت کالاهاى کم قیمت را برای تنظیم بازار ذخیره‌سازی می‌کند.

أضاعت أُمی سوارا غیر ثمین فی محطة الحافلة
مادرم النگوی کم قیمتی را در ایستگاه اتوبوس گم کرد.

در واقع به جای استفاده از صفات «غالیة» و «رخیصة» از ساختارهای بیان شده، استفاده شده که تأثیر منفی تکواژ «غیر» در این نوع از صفات، ضرورت ارائه مفهومی متقابل از آن را در ترجمه ایجاد می‌کند.

۵- غیر + صفات منفی با «ساختار اسم مفعول»: برخی از صفات در دایره معنایی خود دلالتی منفی و ناخوشایند را در ذهن گویشوران آن زبان ترسیم می‌کند به عنوان نمونه بن مایه‌های «رفض» و «ذکر» و «نکب» در زبان عربی نوعاً در جملاتی که ناخوشایندی مخاطب را در پی دارد به کار می‌روند و در عبارت ذیل به همین شکل به کار گرفته شده اند:

هذه الرویة غیر مرفوضة من قبل العلماء الجدد
مورد قبول/پذیرفته شده.

حذرت منظمة الأنواء الجوية المواطنين من الرحلة إلى المناطق المنكوبة و غیر المنكوبة
مناطق سالم

یشیر ظهور هذه الجماعات المتطرفة إلى حقيقة غیر منكرة
حقیقتی مسلم

در ترجمه این دسته صفات نیز شکل مثبت معادل ترجمه‌ای انتخاب می‌شود؛ بنابراین، ترجمه عبارت‌های «غیرمرفوضة»، «غیر المنكوبة» و «غیر منكرة» به ترتیب «مورد قبول»، «مناطق سالم» و «حقیقت مسلم» خواهد بود.

۶- توجه به اسمیه و فعلیه بودن جمله و نقش آن در ترجمه «غیر» و صفی: اگر «غیر» و صفی به همراه یک صفت (اسم فاعل، صفت مشبهه و اسم مفعول) به کار رود، ممکن

است در جمله اسمیه (به عنوان خبر) به کار روند که در این صورت ساختار (غیر + صفت مشابه) تنها به شکل یک صفت ترجمه نمی‌شود، بلکه مفهوم شکل منفی عبارتی فعلی (ربطی است و هست یا می‌باشد) هم در ترجمه منعکس می‌شود؛ یعنی استفاده از فعل (نیست یا نمی‌باشد) به همراه صفت، ترجمه‌ای درست از این ساختار است و یا افزودن پیشوند منفی ساز «بدون» و «غیر» به همراه فعل ربطی است. به نمونه‌های زیر توجه کنید:

هذه القضايا غير مطروحة للنقاش اليوم
قابل طرح نیست

هذه المنطقة غير مسموحة بالدخول
ورود به آن ممنوع است

الطلاب غير مستعدين للمحاضرة العلمية
آماده نیستند

كلام الرئيس الفرنسي غير مقبول
پذیرفتنی نیست

تناول الماء بعد الطعام سلوك غير صحي
غیربهداشتی است

الدراسة دون التخطيط منهج غير صحيح
نادرست است

حال اینکه همین عبارات در شکل به کار رفته در جملات غیر اسمیه (جمله فعلیه) تنها از معادل پیشوند منفی ساز (نا، بی و غیر) به همراه صفت، برون‌رفت مناسبی برای ترجمه خواهد بود. به نمونه‌های زیر توجه کنید:

راينا قضايا غير مطروحة طرحت اليوم
غیرقابل طرح

حصلنا على أدوية غير مسموحة للاستخدام
غير مجاز

وجد الاستاذ طلابه غير مهتمين للمحاضرة
بى تفاوت

اعتبر الرئيس كلام نظيره الفرنسى غير مقبول
نادرست

نرى اليوم كثيرا من العادات غير الصحية
غير بهداشتى

يعتبر المسلمون تدخل البلدان الأروبيه غير صحيحة
نادرست

- ۷- ساختار غير + ضمير (ه، هما، هم، ... و نا) / ذلك + من + اسم جنس / جمع: چنانچه
تکواژ «غير» به همراه يك ضمير به کار رود به سه شکل قابل بررسى است:
الف- اسم + غير + ضمير؛ مانند: جاء رجل غيره
ب- غير + ضمير (بدون مرجع اسمى براى غير)؛ مانند: وقد درسه غيره من العلماء
ج- و + غير + ضمير / اسم اشاره؛ مانند: درست هذه المواضع و غيرها من الموضوعات.
به جملات زیر دقت کنید:

ناقشنا القضايا الجديدة وغيرها من القضايا الاقتصادية
ما مسائل جديد و ديگر مسائل بررسى نشده را بررسى كرديم.

اخترنا قماشاً غيره
پارچه ديگرى

رأینا طلبا غیرکم

دانشجویان دیگری

عنی بهذا الامر کل من سبویه و ابن السراج و غیرهما من النحاة
دیگر علمای نحو

إن الأستاذ درس المنصوبات والمرفوعات و غیرها من القضايا اللغویة
مسائل زبانی دیگر

قرأنا کتبا نحویة و صرفیة و غیر ذلك من الکتب الدرسیة
کتاب‌های درسی دیگر

معادل ترجمه‌ای «دیگر» و «دیگری» گزینه‌های مناسبی برای ترجمه این نوع کاربرد از «غیر» است. موضوع مهم در این ساختار، این است که وجود «من» بیانیه یا نبود آن، دو مفهوم متفاوت را بیان می‌کند:

و غیر ذلك من القضايا و غیر ذلك
مسائل دیگر و دیگر موارد

و غیرها و غیرها من القضايا
و موارد دیگر دیگر مسائل

۸- ساختار «غیر+ ما/ موصولات خاص / اسم» در معنای متفاوت با... یکی از کاربردهای دیگر «غیر» در زبان عربی هم‌آیی آن با موصولات خاص یا موصول عام (ما) و حتی یک اسم است و معادل ترجمه‌ای «متفاوت بودن»، «مغایر بودن» و «مخالف بودن» را در پی دارند که مترجم ناگزیر باید به این مسأله توجه ویژه داشته باشد. به نمونه‌های زیر توجه کنید:

هذا غیر ما ورد فی کتب حدیث الشیعة
متفاوت با

و قصد المؤلف معنی غیر الذي يتلقاه القارئ من النص
چیزی متفاوت با

هذه العصمة في المصطلح الديني غير العصمة التي يعرفها الناس
متفاوت با

همانگونه که ملاحظه می‌شود تکواژ «غیر» در این عبارات در معنای «متفاوت با...»، «مخالف با...» و یا «مغایر با...» است و این عبارات رهیافت‌هایی مناسب برای معادل‌یابی این شکل از کاربرد «غیر» در زبان عربی است. این کاربرد از تکواژ «غیر» در قرآن کریم نیز به کار رفته است که حکایت از ریشه‌دار بودن این کاربرد و استمرار آن در زبان عربی معاصر دارد.

﴿قال الذين لا يرجون لقاءنا ایت بقرآن غیر هذا او بآله﴾ (یونس/۱۵)

﴿فَإِذَا بَرَزُوا مِنْ عِنْدِكَ بَيَّتَ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ غَيْرَ الَّذِي تَقُولُ وَاللَّهُ يَكْتُبُ مَا يُبَيِّتُونَ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا﴾ (نساء/۸۱)

۹- ساختار «و لا غیر» / «لا غیر» / «لیس غیر»: این حالت که در علم نحو عربی از آن به بناء عرضی یاد می‌شود که در آن به دلیل حذف لفظ مضاف‌الیه و در نیت گرفتن معنای آن، برخی ظروف نظیر «مثل» و «بعد» و برخی اسامی نظیر «نحو» و «غیر» مبنی بر ضم می‌شوند و این همواره در حالت مبنی بر ضم به همراه «لا» و «لیس» به کار می‌رود (الحمد، ۱۹۹۷). این ساختار در زبان عربی عیناً با همان شکل و ساختار به زبان فارسی منتقل شده و تاکنون نیز کاربرد قابل توجهی داشته و معادل ترجمه‌ای آن در متون عربی «همین و بس» و «همین است و بس» برای شکل معطوف و معادل ترجمه‌ای «تنها» یا «فقط» برای شکل غیر معطوف هستند. موارد زیر، نمونه‌های از این مبحث است:

کتاب سعید واجباته المدرسية لا غیر^۱
فقط

طلب سعيد من أخيه القيام بمساعدته ولاغير
فقط

الدراسات الجامعية تبحث عن قضايا معاصرة لاغير
فقط

حصل الفلسطينيون على حقوق معدودة في حياتهم ليس غير
فقط

۱۰- غیر + آن: این ساختار یکی از ساختارهای پرکاربرد در زبان عربی معاصر است و تقریباً در مفهوم ساختارهای «إلا + آن» و «بید آن» در معنای مفهوم «اما»ی فارسی کاربرد دارند، این «غیر» همواره منصوب و مضاعف به جمله پس «آن» در این معنا به کار می‌رود. «آن» از حروف مصدری است و پس از آن مصدر مؤول می‌آید. به نمونه‌های زیر توجه کنید:

و قد رفض الرئيس الامريكي اجراء مفاوضات مع الكوريا غير أنه لم يستبعدها
اما

طالب المتظاهرون تلبيه دعوتهم غير أن الحكومة لم تردّ عليهم بشئ
اما

هذا الطعام شهى غير أنه يملك سعة حرارية بالغة
اما

قدم المذيع عناوين الأنباء في هذه الفقرة غير أنه لم يقدم تفاصيل الأنباء
اما

تفاوت این ساختار و ساختار «الا + آن و بید آن» با حرف استدراک لکن (و لکن) در این است که پس از این ساختارها، مصدر مؤول از آن و جمله اسمیه بعد از آن می‌آید، اما پس از «لکن» و «ولکن» جمله‌ای مستقل که در تأویل مصدر نیست و حتی عبارت «غیر

کامل» نیز به کار می‌رود که در نزد نحویان با تقدیر گرفتن تأویل به جمله می‌رود. به نمونه‌های زیر توجه کنید:

تکلم عن مطالباتک ولكن بهدوء

تحدّث وزير الخارجية عن موقف البلاد غير أنه لم يصرح بالموقف الدولي

حمل التظاهرون لافتات لكن الشرطه منعتهم من دخول مبنى الوزارة

شكك الامين العام لحزب الله في تلبية هذه الدوه بيد أنه لم يستبعدها عاجلا

پر واضح است که در جمله نخست تنها عبارت آمده و نه جمله و تنها مصداق مفهوم «اما» در چنین حالتی (اما + عبارت قیدی) استفاده از «ولکن» است و برای مفهوم «اما + جمله کامل» ناگزیر باید از تکواژهای «لکن»، «بیدان» و «غیر ان» و یا از ادوات «لکن» و «ولکن» بهره برد. از آنجایی که «لکن» و «ولکن» دلالت بر مغایرت ما بعد آن با ما قبل آن دارد و معادل با «اما» ترجمه می‌شود و «غیر ان» و «بیدان» و «الآن» نیز در نزد نحویین منصوب و عنوان استثناء منقطع را دارد و معادل ترجمه آن در فارسی «اما + جمله» است، این قابلیت را یافته است. در بلاغت در مبحث «محسنه المدح بما شبيه الذم و العکس ادات استدراک لکن و لکن» معادل «بیدان» و «غیر ان» آورده شده است. استدلال بالا در توجیه این امر آمده است، اما در زبان فارسی نیز همین امر مغایرت در استدراک و استثناء منقطع را می‌رساند.

۱۱- تفاوت ترجمه‌ای ساختار «غیر + اسم مفعول» در عبارات اسمیه و نواسخ فعلی ربطی و فعلیه «غیر» ربطی: همایندی تکواژ «غیر» با ساختار اسم مفعول از وجوه پر کاربرد در زبان عربی معاصر است و می‌تواند به یکی از سه صورت ذیل به کار رود:

الف- در جمله اسمیه

ب- در جمله همراه با نواسخ (کان، لیس، صار، مازال، ما برح، مافتی و ما انفک)

ج- در جمله‌ای که دارای فعل حرکتی باشد.

معادل ترجمه‌ای ساختار اول و دوم به ترتیب به صورت «ساختار فعلی مجهول» و «ساختار مفعولی» است و موارد زیر نمونه‌هایی برای این دو ساختار است.

هذه القضايا غير مطروحة الآن

غير قابل طرح است

ليست هذه القضايا غير مدروسة

غير قابل بررسی است

كانت المطالبات غير معقولة

غير معقول بود

ما زالت الأمور غير مطروحة

همچنان غیر معقول است

اما در جمله‌های فعلیه، ترجمه این ساختار به صورت صفت است:

تلقينا طلبات غير مدروسة

غير قابل بررسی

واجه الطلاب مسائل غير مطروحة في الصف

غير قابل طرح

بلغت المديرية رسائل غير مكتوبة

نامه‌های نانوشته

بلغت المديرية رسائل غير مدروسة

بررسی نشده

۱۲- ساختار «غیر + ذی + اسم»: اگر تکواژ (غیر) به همراه «ذو» صاحبیه مضاف به کار رود، پیشوند منفی ساز است و ترکیب اضافی «ذو» تبدیل به یک صفت منفی می شود؛ مثل «غیر ذوی العقول» معادل «غیر عاقل» یا «غیر ذی اهمیت» معادل تعبیر «غیر هام» است، چرا که «ذو» صاحبیه در معنای توصیفی، صفت است. در کتب نحوی در معرفی صفات جامد مؤول به مشتق از «ذو» صاحبیه نیز نام برده اند که مؤول به «صاحب» می شود. همانگونه که مشهود است این ترکیب اضافی در مقام ترجمه با مترادف های پیشوندی منفی ساز «غیر» و «بی» (بدون + اسم) ترجمه می شود. موارد زیر نمونه هایی برای این موضوع است:

بات الیمنیون غیر ذی حق فی الذب عن وطنهم من منظور السعودية
غیر مشروع / غیر محق

الجموع غیر ذوی العقول یتعامل معها معاملة المفرد المؤمنث
غیر عاقل

صارت الأمور المعیشیة للحکومة الأردنية غیر ذات أهمية
بی اهمیت

هذا الجهاز وفق تقدير المصممين غیر ذی خلل
بدون نقص

این ساختار در قرآن کریم به همراه «ذو» صاحبیه و تکواژ «اولوا» به کار رفته است؛ مانند «غیر ذی زرع». آیات زیر، نمونه هایی از این ساختار هستند که همگی حاکی از اصالت این ساختار در مقام کاربرد در زبان عربی است.

غیر ذی زرع: ﴿ربنا انی اسكنت من ذریتی بواد غیر ذی زرع﴾ (ابراهیم / ۳۷)

غیر ذی عوج: ﴿قرآنا عربیاً غیر ذی عوج﴾ (زمر / ۲۸)

غیر اُولی الاربة: ﴿فلا یبدین زینتھن إلا ما ظھر منها... والتابعین غیر اُولی الاربة﴾ (نور/ ۳۱)

غیر اُولی الضرر: ﴿لا یتسوی القاعدون من المومنین غیر اُولی الضرر والمجاهدون فی سبیل اللہ﴾ (نساء/ ۹۵)

۱۳- ساختار (ب+غیر+ما/ مصدر نکره یا معرفه): برخی کاربردهای زبان عربی برای تکواژ «غیر» ناظر بر ساختار مجروری «ب + غیر + ما ی موصوله» است که تکواژ «غیر» در این ساختار در معنای واژه «دون» عربی و با همایندی حرف باء معادل قید «بدون» است. در قرآن کریم این کاربرد به وفور به چشم می‌خورد؛ نظیر آیه ۸۵ سوره احزاب: ﴿والذین یؤذون المومنین و المومنات بغیر ما اکتسبوا فقط احتملوا بهتاناً و إثماً مبیناً﴾. تعبیر «بغیر علم» در آیات بسیاری با این مفهوم به کار رفته است؛ از جمله: آیات ۱۰۰، ۱۰۸، ۱۱۹ و ۱۴۴ سوره انعام، آیه ۲۵ سوره نحل، آیه ۸ سوره حج، آیه ۲۹۱ سوره روم، آیه ۶۱ سوره لقمان و آیه ۲۵ سوره فتح. همچنین عبارت «بغیر الحق» نیز از موارد پر کاربرد این ساختار در قرآن کریم است که موارد بسیاری از آن به چشم می‌خورد؛ از جمله: آیه ۶۱ سوره بقره، آیات ۳۳ و ۱۴۶ سوره اعراف، آیه ۲۳ سوره یس، آیه ۳۹ سوره قصص، آیه ۷۵ سوره غافر، آیه ۱۵ سوره فصلت، آیه ۴۲ سوره شوری و آیه ۲۰ سوره احقاف. این ساختار در زبان عربی معاصر به صورت ترکیب جری زیر تغییر یافته است:

مصدر صریح معرفه بال من غیر الاهتمام.

من + «غیر»: نکره من غیر الاهتمام.

مصدر مؤول نکره غیر آن یهتم.

وَألقى الرئيس المصرى كلمة أمام الجمهور من غير الإشارة إلى خطة الحكومة في مكافحة الفقر تحدث الاستاذ عن معالجة القضايا الاجتماعية من غير أن يتطرق إلى حلول بديلة بدون اینکه به راهکارهای جایگزین پردازد.

در این ساختار نوپیدا نیز معادل ترجمه‌ای «بدون»، رهیافتی مناسب برای ترجمه آن است.
 ۱۴- ساختار ك + «غیر» + ضمیر + من + اسم جنس جمع: یکی دیگر از کاربردهای تکواژ «غیر» در زبان عربی هم‌آیی با حرف جر «ك» و پسامدی ضمیر است که در آن کاف معنای تشبیه را داشته و چون تکواژ «غیر» به دلیل هم‌آیی با ضمیر معادل ترجمه‌ای «دیگر» را دارد در نتیجه معادل ترجمه‌ای این ساختار (مانند دیگر...) خواهد بود.

این ساختار، ساختاری معاصر و نوپیدا است و ساختار قدیمی «ك + أحد» تقریباً در شکل کاربردی فعلی آن بوده است؛ مانند آیه ۳۲ سورة احزاب ﴿يا نساء النبي لستن كأحد من النساء ان اتقین﴾. تعبیر «كأحد» در این آیه به جای کواحدة، حاکی از دلالت تکواژ «أحد» است که برای نفی مذکر و مؤنث و یک تن و یک جماعت کاربرد دارد (قرطبی، ۱۹۹۰).

کاربست «أحد» در جمله منفی، مفهوم نفی مطلق را ایجاب می‌کند و به جای «مانند دیگر، همچون و همانند دیگر» به صورت «همانند هیچ یک از ...» ترجمه می‌شود.

هذه التقنية تعمل كغيرها من التقنيات بالتيار الكهربائي
 مانند دیگر / همچون

إن قضيه الحال كغيرها من القضايا النحويه تحتاج إلى تحر شامل في أشكالها
 مانند دیگر / همچون

قال الرئيس في كلمته أن إيران كغيرها من البلدان تحظى بحقوق دولية متساوية
 مانند دیگر / همچون

ليست هذه القضية كغيرها من القضايا الدولية
 همچون هیچ یک از / مانند هیچ یک از

بحث و نتیجه گیری

۱- تکواژ وابسته «غیر» از واژه‌های پر کاربرد و چند معنا در زبان عربی است و این تعدد وجوه استعمال، هم در نحو عربی و هم در متون معاصر عربی به وفور کاربرد دارد. هر

چند بیشتر کاربردهای تکواژ «غیر» کاربردهای مصطلح و متداول در علم نحو و مستعمل در متون عربی است، اما برخی ساختارهای جدید نیز با توجه به نیازهای جدید زبانی توسط گویشوران زبان عربی باز تولید شده است و به کار می‌رود.

۲- تکواژ وابسته «غیر» با توجه به ساختارهای به کار رفته آن دارای ۱۴ ساختار متفاوت در زبان عربی است که در این میان ساختارهای «غیر» استثنائی (در مفهوم ادات الإلّ)، «غیر» وصفی در معنای پیشوند منفی ساز عربی (غیر + ذی + مصدر) و ترکیب «لاغیر و ولاغیر» از کاربردهای متداول از دیرباز تاکنون در زبان عربی هستند.

۳- تکواژ وابسته «غیر» علاوه بر مفهوم استثنا در شکل وصفی خود دارای ۶ نوع از معادل‌های ترجمه‌ای شامل معادل‌های شمارشگری (غیرقلیل و بسیار)، محدودکننده بازه زمانی (غیرمسبوقه و جدید)، نامشخص بودن (غیرمحدد و نامشخص)، قیمتی (غیررخیص و ارزشمند)، معادل‌های پیشوندی منفی ساز (بی، نا و غیر)، معادل‌های تکواژهای صفتی (دیگر، متفاوت، غیرقابل) و معادل‌های قیدی (فقط، اما، بدون و همچون) است.

۴- از مجموع این ساختارها، چهار ساختار «غیر آن»، «غیر + اسم اشاره + من + اسم جنس»، ساختار «غیر + ضمیر + من + اسم جنس / اسم جمع» و ساختار «من + غیر + مصدر موول / صریح» از جمله ساختارهای معاصر برای این تکواژ به‌شمار می‌روند که به ترتیب معادل‌های ترجمه‌ای «اما» برای ساختار نخست، «دیگر» برای ساختار دوم و سوم و «بدون» برای ساختار چهارم است.

۵- ساختارهای جایگزینی نیز در عربی معاصر برای برخی کاربردهای تکواژ «غیر» وجود دارد که از مهم‌ترین آن‌ها می‌توان به ساختار «من + غیر + مصدر» به جای «ب + غیر مصدر» در معنای قیدی «بدون» و نیز ساختار «ك + غیر + ضمیر + من + اسم جنس» به جای «ك + أحد + من + اسم جنس» است که معادل ترجمه‌ای ساختار اول «بدون» و ساختار دوم «همانند دیگر...» است.

تعارض منافع

تعارض منافع ندارم.

ORCID

Ali Asvadi



<http://orcid.org/0000-0001-9462-740X>

Sayyed Mohammad MirHosseini



<http://orcid.org/0000-0002-2286-8367>

منابع

قرآن کریم

- ابن سراج، ابوبکر. (۲۰۰۸). *الأصول فی النحو*. بیروت: دارالعلم للملایین.
- ابن عقیل، عبدالله بن عبدالرحمن. (۱۳۸۹). *شرح ابن عقیل علی ألفیة ابن مالک*. قم: انتشارات ذوی القربی.
- ابن مالک، محمد بن عبدالله. (۱۳۷۹). *ألفیه ابن مالک*. قم: ذوی القربی.
- ابن هشام انصاری، ابومحمد عبدالله. (۱۴۲۸). *مغنی اللیب عن کتب النحو والأعاریب*. بیروت: دارصادر.
- بدیع یعقوب، امیل، (۲۰۰۶). *موسوعة الصرف والنحو الإعراب*. بیروت: دارالعلم للملایین.
- برگشتراسر، بوتهلف. (بی تا). *تطور النحو العربی*. ترجمه رمضان عبدالتواب. بغداد: مکتبه الخانجی.
- حسن، عباس. (۱۳۸۸). *النحو الوافی*. قاهره: دارالمعارف.
- الحمد، علی توفیق. (۱۹۹۳). *المعجم الوافی فی أدوات النحو*. بیروت: دارالأمّل.
- خطیب قزوینی، محمد بن عبدالرحمن. (بی تا). *الإیضاح فی علوم البلاغه*. بیروت: دارالکتاب العربی.
- رضی استرآبادی، محمد بن حسن. (۱۳۸۹). *شرح الکافیة ابن حاجب*. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- سامرائی، فاضل صالح. (۲۰۱۲). *معانی النحو*. اردن: دارالفکر.
- سیبویه، ابو بشر عمرو بن عثمان بن قنبر. (۲۰۰۴). *الکتاب*. بیروت: دارالمستقبل.
- سیوطی، جلال الدین. (۱۳۹۱). *البهجة المرضیة فی شرح الألفیة*. بیروت: دارالعلم للملایین.
- شریعت، محمدجواد. (۱۳۶۷). *دستور زبان فارسی*. تهران: انتشارات اساطیر.
- شقاقی، ویدا. (۱۳۸۶). *مبانی صرف*. تهران: انتشارت سمت.
- طبری، محمد بن جریر. (۱۹۹۲). *جامع البیان فی تفسیر القرآن*. بیروت: دارالکتب العلمیة.
- قرطبی، محمد بن أحمد. (۱۹۹۰). *تفسیر قرطبی*. بیروت: دارالعلم للملایین.
- مهلبی، ابو عینیة. (۲۰۰۲). *دیوان مهلبی*. اسکندریه: دارالمعرفة.

References

Holy Quran

- Al-Hamad, A. T. (1993). *Al-Mojam Al-Vafi Fi Adavat AL- Nahve*. Beirut: Dar al-Amal. [In Persian]
- Badi 'Yaqub, E. (2006). *Al- Mooseat fi Al- Sarf va Al- Nahve va Eerab*. Beirut: Dar Dar Al- Ilm li Malayin. [In Persian]
- Bargsterser, B. (Without). *Al- tatavvor Al- nahvi Al- Arabi*. Translated by Ramadan Abd al-Tawab. Baghdad: Al-Khanji School. [In Persian]
- Hassan, A. (1388). *Alnahv-Alvafi*. Qahira: Dar- Al- Maarif. [In Persian]
- Ibn Siraj, A. (2008). *Al- Osool fi Al- Nahve*. Beirut: Dar Al- Ilm li Malayin. [In Persian]
- Ibn Aqeel, A. bin A. (1389). *Shath Ibn Aqeel ala Alfiya Ibn Malik*. Qom: Dhu al-Qirbi Publications. [In Persian]
- Ibn Malik, M. ibn A. (1379). *Alfia Ibn Malik*. Qom: Dhu al-Qirbi. [In Persian]
- Ibn Hisham Ansari, A. M. A. (1428). *Mughni Al-Labib fi Kotob Al Aarib*. Beirut: Dar Sadr. [In Persian]
- Khatib Qazwini, M. bin A. (Pta). *Al- izabeth fi Oloom Al- Balaqa*. Beirut: Dar Al ketab Al Arabi. [In Persian]
- Muhlabi, A. A. (2002). *Diwan Muhalabi*. Alexandria: Dar Al-Marifa. [In Persian]
- Qurtubi, M. bin A. (1990). *Tafsir Qortabi*. Beirut: Dar Al- Ilm li Malayin. [In Persian]
- Razi Astrabadi. M. bin H. (1389). *Sharh Al- Kafia by Ibn Hajib*. Beirut: Dar Al- Kotob Al- Ilmia. [In Persian]
- Samarai, F. S. (2012). *The Maani Al- Nahve*. Jordan: Dar Al- Fikr. [In Persian]
- Sebueh. A. B. A. bin O. bin Q. (2004). *Al-Kitab*. Beirut: Dar Al- Mustaqbal. [In Persian]
- Sayuti, J. (1391). *Al- Bahjat Al- Marzia fi Sharh Alfia*. Beirut: Dar Al- Ilm li Malayin. [In Persian]
- Shariat, M. J. (1367). *Dastoor e Zaban e Farsi*. Tehran: Asatir Publishers [In Persian]
- Shaqqi, V. (1386). *Mabani e Sarf*. Tehran: Samt Publishers. [In Persian]
- Tabari, M. ibn J. (1992). *Jame Al- Baian fi Tafsir Al Qur'an*. Beirut: Dar al- Kitab al-Almiya. [In Persian]